

## تحلیل جامعه‌شناختی پیش‌نیازهای فرهنگی تقویت جامعه مدنی در ایران (مطالعه موردی شهر تهران)

<b>مصطفی اجتهادی</b> دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی	<b>بهجت یزدخواستی</b> دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان (نویسندهٔ مسئول)	<b>جواد صادقی جعفری<sup>۱</sup></b> عضو هیئت علمی دانشگاه سوره، دکتری جامعه‌شناسی (مسئول مکاتبات)
---	---	--

### چکیده

موضوع مقاله حاضر فرهنگ جامعه مدنی در ایران است. جامعه مدنی به معنی جامعه همبسته، دموکراتیک و اخلاق‌گرایانه، مشتمل بر نهادهای اجرایی و ارزش‌های فرهنگی تعریف شده و فرض بر آن است که تقویت این نوع از جامعه مدنی آرمانی در وهله نخست مستلزم وجود شاخصه‌های فرهنگی خاص در کنشگران است. به‌منظور توضیح این مهم، مفهوم "پیش‌نیازهای فرهنگی تقویت جامعه مدنی" به‌کار گرفته شد. در نهایت پژوهش با بررسی آثار صاحب‌نظران کلاسیک و مدرن هشت عنصر فرهنگی، شامل برابری طلبی، فردگرایی، تفاوت‌پذیری، عقلانیت نظری تعلق جمعی، اعتماد، انضباط اخلاقی و مشارکت در قالب مفهوم بالا تنظیم شد. این متغیرها در دو بُعد استقلال‌گرایی و هم‌گرایی دسته‌بندی شد. در این پژوهش با جمع‌آوری داده‌ها از ۱۰۱۶ شهروند تهرانی، متغیرهای بالا بررسی و مشخص شد که این عناصر فرهنگی در حد نسبتاً پایینی قرار دارند؛ از سوی دیگر، بین دو بُعد هم‌گرایی و استقلال‌گرایی هم‌تغییری و رابطه منفی وجود دارد. دو متغیر مستقل تعلق مذهبی و تحصیلات، مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر دو بُعد مفهوم اصلی هستند که نشان از نوعی گسستگی در جامعه دارد.

**واژگان کلیدی:** جامعه مدنی، پیش‌نیازهای فرهنگی، هم‌گرایی، استقلال‌گرایی، اخلاق‌گرایی.

---

۱. آدرس الکترونیکی: sadeqi.jafari@gmail.com

## طرح مسئله

چنانچه بر پذیرش حیات مستمر جامعه مدنی<sup>۱</sup> سنتی ایران که ملاک ارزیابی و داوری آن وجود طبقات، گروه‌ها و نهادهایی مستقل از دولت و حکومت و فشارآورنده به آن، مثل گروه‌های فوت و اخوت، روحانیون و مرجعیت دینی، اصناف و نهاد بازار، تعاونی‌های سنتی، ایلات و عشایر، خانقاه‌ها، سازمان‌های طریقتی، هیئت‌های مذهبی و سازمان‌های خیریه است (رجایی، ۱۳۷۴؛ انصاری، ۱۳۷۸؛ کمالی، ۱۳۸۱؛ سبزه‌ای، ۱۳۸۹؛ خانیکی، ۱۳۷۶)، نقد وارد کرد و به رویکرد مقابل که خصوصیات و عناصری چون محدودیت ساختاریافته اختیارات دولت، حاکمیت قانون، شکل‌گیری فردیت، تفکیک قوا و توزیع قدرت در سازمان سیاسی، وجود احزاب و استقلال عمل رسانه‌ها را الزاماً شاخصه یا مؤلفه‌های انفکاک‌ناپذیر جامعه مدنی می‌داند (غنی‌نژاد اهری ۱۳۷۷؛ امیر احمدی، ۱۳۸۱، ۱۳۷۴؛ بشیریه، ۱۳۷۸؛ جلائی‌پور، ۱۳۹۲) باور داشت، انقلاب مشروطه از نقاط مهم شروع و ظهور جامعه مدنی و استقرار نهادهای آن در ایران است. در این مقطع تاریخی برای نخستین بار نهادهای جامعه مدنی همچون قانون اساسی مبتنی بر اصولی مثل تفکیک قوا و توزیع قدرت، مجلس نمایندگان و نهاد انتخابات، احزاب، مطبوعات و نخستین اتحادیه کاریگری ایران (در سال ۱۲۸۵) پایه‌گذاری شده و لزوم استقرار حاکمیت قانون در عرصه عمومی و خصوصی گفتمان فراگیر شد؛ به طوری که گفته می‌شود مهم‌ترین هدف و خواست جامعه مدنی لزوم تدوین قانون و التزام به قانون سراسری و فراگیر و تأسیس عدالت‌خانه بود (قاضی مرادی، ۱۳۸۵؛ کاتوزیان، ۱۳۹۰).

در حکومت پهلوی تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی گاه قدرت دولت و گاه قدرت جامعه افزایش می‌یافت. برای مثال در بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ که قدرت حکومت به دلایل مختلف تضعیف شده و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی قوت گرفته بود، جامعه مدنی به شکوفایی رسید؛ اما پس از کودتای ۲۸ مرداد، پهلوی دوم از شاهی ضعیف و گرفتار به

1. Civil society

شاهی نظامی تبدیل و شرایط کاملاً متفاوت شد (آبراهامیان، ۱۳۸۷؛ کمالی، ۱۳۸۱؛ فوران، ۱۳۸۳).

انقلاب اسلامی را می‌توان گامی به جلو در تقویت جامعه مدنی ایران دانست؛ چراکه در دیدگاه رهبر و نخبگان فکری آن، اساس و مهم‌ترین هدف انقلاب، تحدید حکومت و گسترش آزادی‌های سیاسی، فکری و اجتماعی، برابری حقوقی، اهمیت دادن به نهاد رأی‌گیری، آزادی مطبوعات و اعتراض‌های مدنی و مشارکت در امور سیاسی تعریف و تفسیر شده است. از همین رو در نخستین اقدام، قانون اساسی جدید تدوین و تصویب شد که مبنای آن تفکیک قوا و توزیع قدرت بود. در این دوره نیز به دلیل دخالت‌های عوامل درونی و بیرونی سیستم اجتماعی، به‌ویژه منازعات سیاسی بین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و اقدامات مسلحانه برخی گروه‌ها، حوادث کردستان، حادثه کودتا، بحران جنگ و انحصارطلبی بخشی از جریان‌های سیاسی کشور، پیشرفت جنبه‌هایی از جامعه مدنی با موانع و مشکلاتی روبه‌رو شد؛ اما در پی تغییرات اجتماعی و فرهنگی نسبتاً سریع در دهه‌های بعدی، به‌ویژه رشد سریع در توسعه آموزش عالی و وسایل ارتباط جمعی، انسجام و سازمان‌دهی دقیق‌تر جناح‌ها و تفکرات سیاسی، گسترش فعالیت بخش سوم و انجمن‌های مدنی، تقویت جامعه مدنی شتاب بیشتری گرفت.

به‌طور کلی مسئله‌مندی جامعه مدنی ایران در دو بُعد اصلی، یعنی نهادهای اجرایی و بُعد فرهنگی، از بدو ظهور تاکنون و با شدت و حدت متفاوت در دوره‌های تاریخی یادشده مشهود بوده است. در بُعد عینی، کاستی حیات مستمر و شفاف احزاب سیاسی فعال و دارای ایده‌های مشخص، نقص در فراگیری حاکمیت قانون و درونی‌شدن قانونمندی، نقصان در حضور رسانه‌های خصوصی فعال، نبود ایده‌های مشخص در باب شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی اصلاحی، کاستی‌های مشخص در فعالیت انجمن‌های مدنی مردم‌نهاد و حیطه فعالیت آن‌ها، تسلط وسیع دولت بر امور عمومی، اقتصاد و نهادهای فرهنگی، وجود موانع و

محدودیت‌ها در سرزندگی عرصه عمومی<sup>۱</sup>، بخشی از مسائل ساحت مذکور جامعه مدنی است. در بُعد ذهنی - فرهنگی نیز روابط سلسله‌مراتبی، تقلیدگرایی و دعوت به تبعیت تام و تمام از منابع قدرت، سستی و کاستی‌های نظام اخلاقی در روابط اجتماعی، سطح پایین اعتماد عمومی و سطح نازل‌تر اعتماد عمودی، تأثیرگذاری تعصبات شدید مذهبی، سیطره مردسالاری، ضعف در مدارای اجتماعی، غلبه خودمداری<sup>۲</sup>، درک مخدوش از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی<sup>۳</sup> بخشی از مسئله مندی این بُعد است؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد یکی از مهم‌ترین دلایل ضعف در جامعه مدنی ایران به کاستی‌های فرهنگی و عدم آمادگی فکری مربوط می‌شود.

با این استدلال در این مقاله ضمن در نظر داشتن برهم‌کنشی ابعاد نهادی و فرهنگی جامعه مدنی و اولویت‌دادن به نقش متغیر فرهنگ در بروز پدیده‌ها، بررسی وضعیت پیش‌شرط‌های فرهنگی تقویت جامعه مدنی هدف اصلی قرار گرفته است. در اینجا با استفاده از مفهوم «پیش‌نیازهای فرهنگی تقویت جامعه مدنی»<sup>۴</sup> اجزا و ابعاد این مفهوم و متغیرهای مرتبط با آن‌ها سنجیده شده و پیش‌فرض نوشتار این است که تقویت جامعه مدنی در عمل منوط به تقویت اجزای فرهنگی مرتبط است.

واکاوی زمینه فرهنگی تقویت جامعه مدنی ایران از جهات مختلف اهمیت می‌یابد. یکی آنکه در بحث‌های تغییرات اجتماعی و سیاسی اولویت معمولاً به تغییرات فرهنگی داده می‌شود. برای نمونه، دارندورفر (۱۹۹۵)، در اهمیت تأثیر فرهنگ بر تقویت جامعه مدنی از سه ساعت ضروری حقوق‌دان، اقتصاددان و شهروند یاد می‌کند و بر آن است که ساعت شهروند از دو ساعت قبلی طولانی‌تر است. متحول‌ساختن عادات ریشه‌دار، نگرش‌های فکری، قواعد فرهنگی، نظام‌های ارزشی و گفتمان‌های حاکم ممکن است

---

1. Public sphere  
2. Egoism  
3. Social indifference  
4. Cultural requirements for reinforcing the civil society

نیازمند صرف چندین دهه زمان باشد. از نظر دارندورف (۱۹۹۵)، ساعت شهروند یا همان فرهنگ، بزرگ‌ترین چالش در پیشرفت جامعه مدنی است (دارندورف، ۱۹۹۵، به نقل از تونکیس، ۱۳۸۷: ۱۸)؛ به علاوه در حال حاضر یکی از گفتمان‌های رایج جامعه مدنی «گفتمان فرهنگی» است و جامعه مدنی به منزله شیوه‌ای خاص از تعامل اجتماعی و رفتار شهروندان در نظر گرفته می‌شود. چنانچه الکسندر (۲۰۰۶)، در کتاب «عرصه مدنی»<sup>۱</sup> می‌گوید: «ما نیاز به نظریه‌هایی داریم که کمتر بر ساختار اجتماعی و توزیع قدرت متمرکز شده و بیشتر متوجه ایده‌هایی باشد که مردم در سرهایشان دارند که طبق گفته توکویل «عادات قلبی آن‌ها» نامیده می‌شوند» (الکسندر، ۲۰۰۶: ۴۳).

### پرسش‌های پژوهش

۱. وضعیت پیش‌نیازهای فرهنگی تقویت جامعه مدنی در جامعه آماری پژوهش چگونه است؟
۲. تغییر پیش‌نیازهای فرهنگی تقویت جامعه مدنی تحت تأثیر چه متغیرهایی قرار دارد؟

### مبانی نظری پژوهش

به گفته تیلور<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، ایده‌ها و شرایط تاریخی از هم جدا نیستند. «ایده‌ها همواره در تاریخ، آمیخته به کردارهای معینی برآمده‌اند» (تیلور، ۲۰۰۷: ۲۱۳). تصور از جامعه مدنی نیز متناسب با تغییرات اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی و رخدادهایی مهم تاریخی، چرخش مفهومی داشته و در طول تاریخ به یک اندازه اهمیت نداشته است.

---

1. Civil sphere  
2. Charles Taylor

به‌طور کلی چهار رویکرد عمده درهم‌تنیده و مرتبط با یکدیگر، بنا به مقتضیات و شرایط اجتماعی و سیاسی از دوره «پس‌سازمانی»، به مفهوم جامعه مدنی متصور است: الف) در دیدگاه اصحاب قرارداد اجتماعی در قرون ۱۷ و ۱۸ جامعه مدنی در مقابل جامعه با ساختار سیاسی استبدادی، تفوق کلیسا بر امور سیاسی و عمومی مردم و حوزه عمومی یکپارچه از لحاظ مذهبی و عقیدتی و مطیع در برابر حکومت، قرار گرفته است؛ ب) در رویکرد دوم در قرن ۱۹ که مربوط به «هگل»، «توکویل» و «مارکس» است، برخلاف دوره قبل، جامعه مدنی فضایی بین فرد و دولت و عرصه رفع نیازها در نظر گرفته می‌شود. بازار، طبقات اجتماعی، انجمن‌های داوطلبانه و اصناف و در دیدگاه گرامشی (۱۳۸۴) نهادهای فرهنگی عناصر جامعه مدنی هستند؛ ج) در رویکرد سوم به تبع «نو توکویلی‌ها» بحث سرمایه اجتماعی و جامعه غیرتوده‌ای مطرح است و بر بخش سوم تأکید می‌شود. این گروه، مشارکت و زندگی انجمنی را تعقیب و بسط داده‌اند. رابرت پاتنام (۱۳۹۲)، فرانسیس فوکویاما (۱۳۸۹) و آلموند و وربا (۱۹۶۳) در این رویکرد قرار دارند؛ د) در رویکرد چهارم اندیشمندانی چون کرول پیتمن<sup>۱</sup> (۱۳۹۱)، جان راولز (۱۳۹۴)، ویکتور پرز-دیاز (۲۰۱۴) و جفری الکسندر (۲۰۰۶)، جامعه مدنی را از بُعد فرهنگی و در جهت جامعه اخلاقی مطالعه کرده‌اند. در این نگرش جامعه مدنی سبکی از زندگی، اندیشه و رفتار به همراه نهادها و سازمان‌های متمایز معین (نهادهای دموکراتیک، قانون، انجمن‌ها و جمعیت‌های مستقل، رسانه‌ها) است که در آن، اتحاد و یگانگی افراد و گروه‌ها حفظ و منافع فردی و جمعی هم‌سو می‌شود. آرمان جامعه مدنی، دستیابی به هم‌بستگی گسترده، جامعه اخلاقی و دموکراسی است. با این نگاه، تقویت جامعه مدنی مستلزم حضور دوگانه ارزش‌ها و قواعد فرهنگی خاص از سویی و نهادها و سازمان‌های ویژه از سوی دیگر است.

1. Crole pateman

بدین سان ساختار فرهنگی جامعه، عنصر اصلی تقویت جامعه مدنی به حساب می‌آید. فرهنگ را باید به‌عنوان یک قلمرو آرمانی، روحی و غیرمادی در نظر گرفت؛ همچنین این مفهوم را باید به‌عنوان عرصه الگوداری از باورها، ارزش‌ها، نمادها، نشانه‌ها و گفتمان‌ها در نظر آورد که رابطه قدرتمند و پیچیده‌ای با عملکردها و اجراها دارد و مستقل است. به این معنا که نمی‌توان آن را به‌عنوان بازتاب محض نیروهای مسلط اقتصادی، توزیع قدرت یا نیازهای ساختار اجتماعی توصیف کرد (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ۱۷-۱۸). با استناد به این تعریف از فرهنگ، مفهوم «پیش‌نیازهای فرهنگی تقویت جامعه مدنی»، آن دسته از باورها و ارزش‌هایی است که حضور آن‌ها در ساختار فرهنگی برای تحقق و تقویت جامعه مدنی، پیش‌نیاز محسوب می‌شود. این عناصر فرهنگی خود هم به‌وجودآورنده و تقویت‌کننده جامعه مدنی و هم نتیجه و ماحصل پیشرفت جامعه مدنی در نظر گرفته می‌شوند. در این نگرش تقویت جامعه مدنی به تحلیل در سطح خرد گرایش پیدا می‌کند و مربوط به فرهنگ کنشگران، یعنی مجموعه باورها، ارزش‌ها و هنجارهای هدایت‌کننده کنش می‌شود. بازیگران اجتماعی در جریان کنش متقابل مستمر و تحت تأثیر آژانس‌های اجتماعی‌کننده، آموزه‌های دینی، اثر نخبگان، ساختارهای نمادسازی و رسانه‌ها، دیدگاه‌ها، الگوها و منظومه‌های ارزشی را تولید و بازتولید می‌کنند؛ عقایدی که از پنجره آن به تفسیر و معنی‌دهی به جهان پیرامون می‌پردازند و در طی یک فرآیند پیچیده و تعاملی ساختارهای اجتماعی را به‌وجود می‌آورند.

تأکید بر بُعد فرهنگ جامعه مدنی از ظهور مجدد این مفهوم در اندیشه فلاسفه روشنگری موردتوجه بوده است و در دوره جدید موردتوجه دقیق‌تر قرار گرفته است. منش‌ها و سبک‌های زندگی هم به‌عنوان آرمان جامعه مدنی و هم به‌عنوان پیش‌نیازهای هنجاری شکل‌گیری ابعاد نهادی (سیاسی و اقتصادی) آن، موردتأکید هستند.

اصحاب قرارداد اجتماعی، تعمیق اصل برابری و قانون‌گرایی، آزادی عمل انسان در امور مذهبی و غایت‌بودن انسان و فردیت و استقلال فردی، درک تفاوت‌ها و تساهل،

خودکنترلی و اخلاق‌مداری، ضرورت مشارکت و فعال‌گرایی شهروندان، خردگرایی و پرهیز از سنت‌گرایی افراطی را عناصر فرهنگی جامعه مدنی معرفی کرده‌اند (هابز، ۱۳۸۰، لاک، ۱۳۸۷، ۱۳۷۷؛ منتسکیو، ۱۳۴۹؛ رسو، ۱۳۸۸؛ کانت، ۱۳۹۳). به سخن دقیق‌تر آن‌ها در کنار توجه به لزوم تغییر در ساختارهای سیاسی و حقوقی از ضرورت تغییر در ساختارهای فرهنگی و عادات توده‌ها غافل نشده‌اند.

جان استوارت میل (۱۳۹۰)، بر آزادی فردی و اهمیت آن در پیشرفت دموکراسی پافشاری کرده و معتقد بود همین رشد فردیت است که تعلق به اجتماع را نیز تقویت می‌کند و رابطه انسان‌ها را باهم نوعانسان‌نیرومندتر می‌سازد و سپس جامعه نیز قوی‌تر خواهد شد. افکار بشر در زیر چتر رشد فردیت غنی‌تر می‌شود و زندگی تنوع بیشتری می‌یابد (میل، ۱۳۹۰: ۱۱۴). هگل (۲۰۰۸)، به عنوان فیلسوف جامعه‌گرا، دغدغه حفظ کلیت و تعلق به اجتماع را برجسته ساخته است. میهن‌پرستی از نظر هگل انجام فداکاری و کارهای عظیم نیست؛ بلکه رسیدن به این شناخت، به صورت نهادینه‌شده و عاداتی<sup>۱</sup> است که اصالت با اجتماع<sup>۲</sup> است و هدف نهایی اجتماع است (Hegel, 2008: 291). از نظر او جامعه مدنی قلمرو جزئیت است و حوزه‌ای است که در آن نطفه توجه به کلیت در فرد بسته می‌شود. وی عقلانیت<sup>۳</sup> را حاصل پیوند فرد و دولت می‌داند. «عقلانیت به‌طور کلی و از بُعد انتزاعی، عبارت است از: اتحاد تمام و کمال امر عمومی و امر فردی» (Hegel, 2008: 229). توکویل (۱۳۹۳)، بر چند اصل فرهنگی تأکید ویژه دارد. یکی از این اصول، روحیه فعال‌گرایی مردم در امور عمومی است. لزوم مشارکت مردم در امور از نظر وی در ذات انسان است. انسان ذاتاً طالب استقلال است (توکویل، ۱۳۹۳: ۱۰۳). وی به ضرورت‌ها و نتایج مشارکت اجتماعی پرداخته است و لازمه مشارکت اجتماعی را حق تشکیل جمعیت‌ها و انجمن‌ها و این حق را از آزادی مطبوعات نیز مهم‌تر می‌داند (همان: ۲۵۷).

1. Habitually  
2. Community  
3. Rationality



احساس حق و عدالت یکی دیگر از نکات مورد تأکید توکویل (۱۳۹۳)، است که با تأمین حقوق سیاسی مردم پیوند خورده است. احساس عدالت پیش فرض جامعه دموکراتیک است و این احساس زمانی حاصل می‌شود که مردم خود را مشارکت کننده در تعیین سرنوشت خود بدانند (همان: ۳۲۸). وطن پرستی از روحيات و عناصری است که به نظر توکویل (۱۳۹۳)، حائز اهمیت است. او که همچون هگل نگران فردگرایی خودخواهانه یا به قول خودش «نفع شخصی به درستی درک نشده» است (کویستو، ۱۳۸۷: ۱۲۳)؛ وطن پرستی، به ویژه وطن پرستی عقلایی را عامل توجه به منافع جمعی در نظر گرفته است (همان: ۳۲۴). از نظر او داشتن قدرت تفکر و بازاندیشی و سنت گرانبودن از ویژگی‌های مثبت فرهنگی حرکت دهنده جامعه مدنی است؛ بنابراین استقبال از تغییر و نوگرایی و مقابله نکردن با تغییرات پیرامون، روحیه ویژه‌ای است که توکویل برای تحقق جامعه مدنی، وجود آن را ضروری می‌داند (همان: ۵۶۲).

پاتنام (۱۳۹۲)، به عنوان جامعه شناس جامعه گرا، مولفه‌های مشارکت مدنی و فعال بودن کنشگران، برابری سیاسی شهروندان دارای حقوق برابر و جاری بودن اصل برابری سیاسی به واسطه تسلط روابط افقی در تعاملات متقابل، همبستگی، اعتماد، تساهل و جاری بودن زندگی انجمنی را مهم‌ترین عناصر فرهنگی تقویت جامعه مدنی ذکر کرده است (پاتنام، ۱۳۹۲: ۱۳۵۷-۱۳۶۰). سیلگمن (۱۹۹۲)، در کتاب «ایده جامعه مدنی» جامعه مدنی را جامعه‌ای متصور می‌کند که در آن نفع فردی و نفع جمعی، امر خصوصی و امر عمومی با هم هماهنگ می‌شوند؛ بنابراین به بحث اعتماد توجه نشان می‌دهد. سیلگمن (۱۳۷۸)، در جای دیگر به این بحث پرداخته و معتقد است که در جامعه مدنی، هم اعتماد و هم جامعه مدنی بر مفهوم بسیار خاص از فرد و بر ایده‌ای از شخص خصوصی دارای روحیه کارگزاری اخلاقی و استقلال مبتنی است که تعامل مدنی خود را از طریق آن چیزی که «اعتماد» نامیده می‌شود انجام می‌دهد (سیلگمن، ۱۳۸۷: ۳).

برگر و زایدرولد (۱۳۹۳)، اهمیت ویژه تساهل را برای پیشرفت جامعه مدنی گوشزد کرده‌اند. پیتمن (۱۳۹۱)<sup>۱</sup> با بازخوانی و تتبع در نظریه‌های کلاسیک مانند هابز، لاک، رسو و میل بحث از «وظیفه سیاسی» می‌کند و معتقد است «وظیفه»<sup>۲</sup> یک مسئله حل‌نشده در دموکراسی لیبرال<sup>۳</sup> است و تنها از طریق پروراندن نظریه و عمل «دموکراسی مشارکتی»<sup>۴</sup> یا «دموکراسی خودگردانی»<sup>۵</sup> حل می‌شود. او وظیفه را به معنای تعهدی اخلاقی می‌نگرد که اشخاص آزادانه می‌پذیرند (پیتمن، ۱۳۹۱: ۹).

الکسندر (۲۰۰۳) که در کتاب «معنای زندگی اجتماعی: جامعه‌شناسی فرهنگی»<sup>۶</sup>، روش جامعه‌شناسی فرهنگی خود را مشخص ساخته بود، برای رسیدن به آرمان جامعه مدنی، به فرهنگ اولویت می‌دهد. وی در عرصه فرهنگی دو گفتمان اصلی «آزادی» و «سرکوب» را تشخیص داده است که به وسیله رمزگان دوگانه پاکی و ناپاکی<sup>۷</sup>، اعضا یا اعضای بالقوه جامعه مدنی در آن جای می‌گیرند. این رمزگان دوگانه در سه سطح انگیزه‌ها، روابط و نهادها روی می‌دهد که در این میان، سطح انگیزه‌ها از همه مهم‌تر است. در بُعد انگیزه‌ها که از همه مهم‌تر است، تقویت جامعه مدنی مستلزم وجود کنشگرانی فعال، مستقل، عقلانی، مستدل و خردمند<sup>۸</sup>، آرام<sup>۹</sup>، واقع‌گرا و دارای عقل سلیم<sup>۱۰</sup> است. در مقابل رمزگان فرهنگی منفی که به محدودیت جامعه مدنی منجر می‌شود و ضدمدنی است، کنش‌گرانی با ویژگی منفعل، وابسته، غیرعقلانی، عصبی<sup>۱۱</sup>، هیجانی، احساساتی، غیرواقع‌گرا و شیفته<sup>۱۲</sup> در خود دارد.

1. John rawls
2. Obligation
3. Liberal democracy
4. Participatory democracy
5. Self-managing democracy
6. The Meanings of Social Life: A Cultural Sociology
7. Pure and impure
8. Reasonable
9. Calm
10. Sane
11. Hysterical
12. Mad

بر اساس چنین رمزگان متناقضی در مورد انگیزه‌های بشری، نمونه‌های مشخصی از روابط اجتماعی می‌تواند ساخته شود. کسانی که برای دموکراسی با انگیزه هستند، قادر به ایجاد روابط اجتماعی صریح هستند تا روابط اجتماعی توأم با پنهان کاری. آن‌ها به دیگران اعتماد می‌کنند و سوءظن ندارند. درستکار هستند و نه حقه‌باز، راستگو هستند و نه فریبکار (متقلب). تصمیم‌های آن‌ها بیشتر بر اساس مشورت<sup>۱</sup> خواهد بود تا توطئه<sup>۲</sup> و نگرش آن‌ها نسبت به اقتدار بیشتر نقدگرایانه خواهد بود تا با ملاحظه‌گری<sup>۳</sup>. رفتار آن‌ها با خود آگاهی و عزت پیوند خورده تا با منفعت‌طلبی و آز. آن‌ها با همکاران خود مانند دوست رفتار می‌کنند نه مانند دشمن. متناسب اینکه افراد چه نوع انگیزه‌هایی دارند و چه نوع روابطی را شکل می‌دهند، نهادها ساخته می‌شوند. کنشگران با انگیزه‌های مدنی و روابط مدنی، نهادهای مدنی را می‌سازند. نهادهای مدنی قاعده‌مندانه، برابری طلبانه، قانون‌گرا، فراگیر و غیرشخصی هستند (الکسندر، ۲۰۰۶: ۵۳-۵۹).

اینگلهارت و ولزل (۱۳۸۹)، استدلال کرده‌اند که در بحث تقدم اثر نهادها بر ارزش‌های دموکراسی و قضیه عکس آن، قضیه عکس صحیح است و ارزش‌های دموکراسی مقدم و مبنای توسعه نهادهای دموکراتیک در جوامع هستند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۲۱۵-۲۱۸). پژوهشگران یادشده نقطه شروع را نوسازی اجتماعی - اقتصادی می‌دانند که تغییر فرهنگی در جهت افزایش تأکید بر ارزش‌های ابراز وجود و سپس دموکراتیک شدن را به همراه دارد و مجموعه شرایط منتهی به آزادتر شدن انسان و حق انتخاب او می‌شود و توسعه انسانی به وجود می‌آید. نوسازی اقتصادی - اجتماعی از طریق افزایش منابع مادی، شناختی و اجتماعی افراد، محدودیت‌های خارجی و انتخاب انسانی را کاهش می‌دهد و این موضوع تأکید توده را بر ارزش‌های ابراز وجود بیشتر می‌کند. تأکید بر ارزش‌های ابراز وجود به رشد تقاضای عمومی برای آزادی‌های مدنی و سیاسی، برابری جنسیتی و حکومت پاسخگو

1. Deliberation  
2. Conspiracy  
3. Deferential

منجر می‌شود و بالاخره رشد موضوعات اخیر، نهادهایی را تثبیت و تقویت می‌کنند که می‌توانند انتخاب‌های آزاد افراد را به حداکثر برساند که همانا نهادهای دموکراتیک است. آن‌ها ارزش‌های ابراز وجود را که معتقدند در نوسازی جوامع تکوین می‌یابد چنین تعریف کرده‌اند: «تأکید فرهنگی از نظم جمعی به آزادی فردی، از یکپارچگی به تنوع انسانی و از دولت اقتدارگرا به استقلال فردی، موجب رشد سندرمی می‌شود که آن‌ها آن را "ارزش‌های ابراز وجود" می‌نامند» (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۲۳).

نتیجه بازخوانی و تأمل در نظریه‌های بالا رسیدن به هشت متغیر یا جزء فرهنگی شامل برابری طلبی، تفاوت‌پذیری، فردگرایی و آزادی فردی، عقل‌گرایی و قدرت‌بازاندیشی، انضباط اخلاقی، اعتماد اجتماعی، فعال‌گرایی (مشارکت) و تعلق اجتماعی است. این هشت جزء کلیدی در دو بُعد استقلال‌گرایی و جامعه‌گرایی یا همگرایی طبقه‌بندی می‌شوند. به این ترتیب از دیدگاه این پژوهش، تلفیقی از ارزش‌های مورد‌استناد هر دو دسته از صاحب‌نظران لیبرال و جامعه‌گرا برای رسیدن به شرایط مطلوب مورد نیاز است؛ زیرا به گفته الکسندر (۲۰۰۶)، «جامعه مدنی عرصه‌ای از همبستگی است که در آن حقوق فردی و تعهدات جمعی به شدت درهم‌تنیده شده است» (الکسندر، ۲۰۰۶: ۵۳).

چهار متغیر اول بُعد استقلال‌گرایی را می‌سازند؛ به این معنی که تقویت جامعه مدنی در جوامع پیچیده و متکثر امروزی نیازمند حضور عناصر فرهنگی‌ای است که موجب استقلال و ابراز هویت فردی و پذیرش برون‌گروه‌ها<sup>۱</sup> است. چهار متغیر بعدی یعنی اخلاق، تعلق اجتماعی، اعتماد و مشارکت، بُعد همگرایی<sup>۲</sup> را می‌سازند؛ به این معنی که جامعه مدنی در عین حال که نیازمند فرهنگ و روحیه استقلال‌گرایی<sup>۳</sup> است، نیازمند مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی است که گرایش به نظام اجتماعی و تعلق خاطر به دیگران، گروه‌ها، نهادها و کلیت را تشویق می‌کند. در صورت بروز اخلال در هر بُعد، پیشرفت جامعه مدنی سست خواهد شد.

1. Out Group  
2. Convergence  
3. Independence

استقلال‌گرایی شدید بدون حضور همگرایی مناسب، کلیت نظام اجتماعی را مختل و همبستگی اجتماعی را مسئله‌مند می‌سازد. از سوی دیگر همگرایی قوی بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها و حق ابراز وجود فردی به بروز استعدادها و پیشرفت جامعه آسیب می‌رساند و جنبه دموکراتیک جامعه مدنی را تضعیف می‌کند. هر یک از اجزای پیش‌گفته در تقویت جامعه مدنی دارای کارکرد خاص و با سایر اجزاء، روابط متقابل دارد.

باید در نظر داشت که این ارزش‌ها (استقلال‌گرایی و همگرایی) از یک سو ناشی از آموخته‌های فرهنگی منتقل‌شده از نسل‌های قبلی و از سوی دیگر حاصل تجربه‌های دست‌اول فرد در زندگی اجتماعی است (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۲۳). این تجربه‌ها عمدتاً از طریق موقعیت‌های اجتماعی و پایگاه‌هایی که فرد در آن‌ها نقش آفرینی می‌کنند، مانند جنس، نوع شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، جایگاه سنی و جغرافیای محل سکونت و همچنین حوادث خاصی که فرد تجربه می‌کند، مانند جنگ، انقلاب یا بحران‌های شدید اقتصادی به دست می‌آید (شارون، ۱۳۸۵). مذهب و هنجارها و باورهای برگرفته از عقاید مذهبی نیز اهمیت خاص خود را دارد. عقاید مذهبی، اثرات پایداری بر شکل‌گیری جهان‌بینی و تفکرات فرد در موضوعاتی چونپ تساهل، پ برابری، مسئله جنسیت، طبیعت و محیط‌زیست و سیاست اعمال می‌کند. ارزش‌های دینی کارکرد احتمالی دوگانه دارند: از یک سو ممکن است به قوت یافتن انضباط اخلاقی کمک کنند و به‌عنوان یک نهاد و واقعیت جمع‌گرایانه، بُعد همگرایی را تقویت کند. دین، نوع دوستی، خیرخواهی، مراقبت و عشق را تشویق می‌کند؛ از سوی دیگر ممکن است سبب خاص‌گرایی<sup>۱</sup> شدید و فرقه‌گرایی مضر شوند. عقاید مذهبی ضمن آنکه تعدیل‌کننده منویات و آمال و آرزوهای فردی است، خود عامل همبستگی اجتماعی پیروان یک مذهب است و از طریق تولید ارزش‌های جمعی و اجرای مناسک گروهی تن‌ها و جان‌ها را به هم

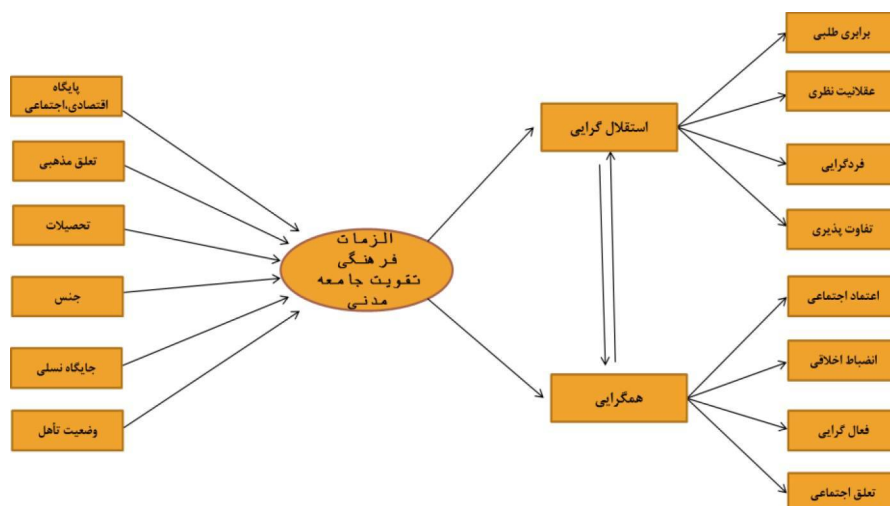
---

1. Particularism

نزدیک می‌کند. ارزش‌ها و آرمان‌های مذهبی جمع‌گرا است و نسبت به ارزش‌های فردی بر جامعه تأکید بیشتری دارد. چنانچه وبر در «اخلاق پروستانی و روحیه سرمایه‌داری» نشان می‌دهد که معانی دینی، کارکرد آشکار و پنهان در فرآیندهای اجتماعی دارند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۵: ۳۵). او معتقد است اثر عملی یک دین می‌تواند در چیزهای بسیار متفاوت از الهیات مبدأ خودش تظاهر یابد (اینگلهارت، ۲۱۰: ۱۳۹۵). برگر (۱۹۶۷)، ایده «دورکیم» را با استفاده از «سایان مقدس»<sup>۱</sup> مفهوم‌سازی کرده است. تعامل در گروه‌های کوچک‌تر سبب حفظ جهان‌بینی‌های سنتی خواهد شد. همین‌طور اسمیت و دیگران (۱۹۹۵) با استفاده از مفهوم «چتر مقدس»<sup>۲</sup> استدلال کرده‌اند که افراد در ساختارهای کوچک‌تر می‌توانند دنیای سنتی را در جوامع بسیار متنوع حفظ کنند (Stroope, 2011: 572).

## مدل تحلیلی

نمودار ۱، مدل تحلیلی پژوهش را نشان می‌دهد



نمودار ۱: مدل تحلیلی

1. Sacred canopy
2. Sacred umbrellas

## فرضیه‌ها

۱. متغیر استقلال‌گرایی با متغیرهای مستقل جنس، تحصیلات، سن، وضعیت تأهل، سطح تعلق مذهبی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی در ارتباط است.
۲. متغیر همگرایی با متغیرهای مستقل جنس، تحصیلات، سن، وضعیت تأهل، سطح تعلق مذهبی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی در ارتباط است.
۳. بین دو متغیر استقلال‌گرایی و همگرایی، رابطه مثبت وجود دارد؛ یعنی با افزایش تمایل به استقلال‌گرایی تمایل به همگرایی افزایش می‌یابد.

## روش پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله دارای ملیت ایرانی، ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را شامل می‌شود که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت تهران ۶۲۱۰۸۲۲ نفر است (<https://www.amar.org.ir>). حداقل حجم نمونه برابر فرمول کوکران و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۰/۹۵ و حداکثر واریانس در جامعه آماری، یعنی دوشقی بودن جمعیت از نظر متغیر اصلی (پیش‌نیازهای فرهنگی جامعه مدنی) و دقت احتمالی مطلوب ۰/۰۵، تعداد ۳۸۴ نفر است؛ اما به منظور افزایش دقت در نتایج، نمونه آماری به میزان ۱۲۰۰ نفر با توزیع متناسب طبقه‌ای (منطقه شهرداری و جنس) هدف قرار گرفت و ۱۴۰۰ پرسشنامه تکمیل شد که پس از مرحله بازبینی، ۱۰۱۶ پرسشنامه صحیح مورد استفاده قرار گرفت. نمونه‌گیری در این طرح از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با رعایت نسبت منطقه محل سکونت و جنس انجام شد. برای این منظور مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به چهار بخش شمال غربی، شمال شرقی، جنوب غربی و جنوب شرقی تقسیم شده و از هر یک از بخش‌های چهارگانه، دو منطقه شهرداری به قید قرعه انتخاب شد؛ سپس از هر منطقه یک ناحیه در مرحله دوم به صورت تصادفی انتخاب و از هر ناحیه، یک محله و از هر محله، یک خیابان انتخاب شد.

ابزار اصلی گردآوری داده‌های میدانی، پرسشنامه پژوهشگر ساخته است. به این منظور و با در نظر گرفتن مفهوم و متغیرهای اصلی پژوهش، پرسشنامه‌ای با ۸۲ گویه و پرسش تهیه شد که ۶۳ گویه، متغیرهای مفهوم اصلی پژوهش یعنی «پیش‌نیازهای فرهنگی تقویت جامعه مدنی» را در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت می‌سنجید. ۷ گویه، سطح تعلق مذهبی پاسخگو و ۶ گویه برای سنجش ذهنی پایگاه اقتصادی - اجتماعی طراحی شد. هر یک از متغیرهای جنس، سن، تحصیلات، تأهل و شغل با طرح یک پرسش به دست آمد.

روایی پرسشنامه در مرحله طراحی از طریق اظهار نظر متخصصان و همکاران در دانشگاه، انجام شد و پس از جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی و روش استخراج «حداقل مربعات ناموزون» و روش «چرخش واریماکس» و «ملاک کایزر (KMO)» استفاده شد تا مشخص شود گویه‌های مربوط به هر سازه صرفاً یک عامل را می‌سازد؛ سپس با استفاده از همین روش دو عامل استقلال‌گرایی و همگرایی مورد تأیید قرار گرفت. در نهایت بُعدسازی نظری متغیرها با اندکی تغییر توسط داده‌ها تأیید شد. در بُعد همگرایی، علی‌رغم توجیه نظری، نتایج تحلیل عاملی مؤید حذف متغیر «مشارکت» از این بُعد بود. در تحلیل عاملی مرتبه دوم در نرم‌افزار «آموس» مشخص شد بین دو بُعد همگرایی و استقلال‌گرایی، کواریانس منفی وجود دارد؛ به همین دلیل از ساختن متغیر «پیش‌نیازهای فرهنگی» با روش جمع کردن نمرات پاسخگویان در دو بُعد، صرف نظر شد.

برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. در این مرحله تعداد ۸ گویه که موجب کاهش اندازه آلفا شده بود یا ضریب همبستگی پایین‌تر از حد استاندارد داشت، حذف شد. ضریب آلفا در سازه برابری طلبی ۰/۷۰۰، فردگرایی ۰/۶۸۴، عقلانیت نظری ۰/۷۰۵، تفاوت‌پذیری ۰/۷۰۳، تعلق اجتماعی ۰/۷۵۸، مشارکت ۰/۷۳۹، انضباط اخلاقی ۰/۸۹۷، اعتماد اجتماعی ۰/۸۹۲، سطح تعلق مذهبی ۰/۸۵۷ و پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۰/۸۵۷ به دست آمد؛ همچنین ضریب آلفای ابعاد مفهوم پیش‌نیازهای فرهنگی جامعه مدنی نیز محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ در بُعد استقلال‌گرایی با ۲۳ گویه برابر ۰/۸۵۱ و



در بُعد همگرایی با ۲۴ گویه برابر ۰/۸۷۶ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از دو نرم‌افزار SPSS و AMOS استفاده شد.

### تعریف متغیرها

برابری طلبی<sup>۱</sup> به این معنا است که افراد جامعه هرگونه ارجحیت غیرشایسته سالارانه را در کسب منزلت‌های اجتماعی، فرصت‌های اقتصادی و موقعیت‌های سیاسی مذموم بدانند و عمیقاً به برابری انسان‌ها بدون در نظر گرفتن طبقه، جنس، مذهب، قومیت، نژاد، موقعیت اجتماعی و زبان باور داشته باشند. اعتقاد به اصل برابری پایه‌ای‌ترین و مبنایی‌ترین باور در اندیشه جامعه مدنی محسوب می‌شود و نقطه حرکت و مبنای دیگر بایسته‌های فرهنگی جامعه مدنی مانند پذیرش تکثر فرهنگی، تساهل، رشد فردیت و استقلال انسان، آزادی و مشارکت در امور سیاسی - اجتماعی قرار می‌گیرد.

فردگرایی<sup>۲</sup> عبارت است از: مجموعه‌ای از عادات فکری و اصول اجتماعی که تحرک و آزادی عمل و انتخاب را برای فرد مهیا می‌کند تا فرد آدمی خارج از کنترل و الزام‌های جمعی و سلطه نهادهای ظاهراً، ابدی - ازلی محدودکننده بتواند هویت، آمال و اهداف فردی را تعقیب کند. فردگرایی از مقدمات و ملزومات تقویت جامعه مدنی است. دموکراسی و جامعه مدرن از تغییرات اجتماعی گسترده ناشی از صنعتی‌شدن و شهرنشینی و رشد علوم سر برآورده است که در آن استقلال و توسعه هویت فردی و آزادی انتخاب فردی ویژگی ممتاز آن است؛ بنابراین تقویت جامعه مدنی از جهات مختلف به این ارزش کلیدی پیوند خورده است.

بر اساس یافته‌های تجربی اینگلههارت و ولزل (۱۳۸۹)، بین گرایش به استقلال فردی که آن‌ها با عنوان «ارزش‌های ابراز وجود» از آن یاد می‌کنند و برابری جنسی، تساهل با

1. Equality  
2. Individualism

بیگانگان و اعتماد بین‌فردی در جوامع مختلف رابطه وجود دارد (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۹۱). گسترش روابط اخلاقی نیز به فردگرایی مرتبط است. در جامعه مدنی از آنجاکه افراد برای یکدیگر استقلال قائل هستند، مبانی و ضرورت رعایت اخلاق با دوره‌های قبل متفاوت است؛ در حالی که در جامعه سنتی، فرد در قالب سنن، دین و یا احاطه جمعی، منضبط به اخلاق بود. در جامعه مدنی، افراد به این سبب که دیگران را شهروندان مستقل و دارای حقوق می‌دانند و به فردیت معتقدند، فراتر از دیدگاه‌های سنتی و با نگرش نو درگیر اخلاق خواهند بود. به عقیده سلیگمن (۱۳۸۷)، افراد نه با میانجیگری قانون، نه سنت و نه تعهدات مذهبی، بلکه صرفاً به وسیله پذیرش مدنی یکدیگر به عنوان افراد و مهار تمایلاتشان (و یا عدم مهار آنها) در جهت پذیرش اولویت‌های دیگران تعامل می‌کنند؛ به این معنا که افراد یکدیگر را فرد مستقل و عامل در نظر می‌گیرند (سلیگمن، ۱۳۷۸: ۵).

عقلانیت نظری<sup>۱</sup> به معنای به کارگیری و مبنا و اساس شدن دلیل در قبول یا رد گزاره‌ها به جای اتکا و استناد به مبانی غیرمستدل، غیرمستند، مبهم، موهوم و تعصب‌آلود است. نقدگری و نقدپذیری از مشخصه‌های عقلانیت به حساب می‌آید. از نشانه‌های عقل‌گرایی رسیدن به انسان «بازاندیش»<sup>۲</sup> است؛ کنشگری که بر اساس عادات عمل نمی‌کند، بلکه از طریق استدلال و خرد به منابع جدید تفکر دست می‌یابد. عقلانیت، مانع تبعیت‌های غیرمعقول و مستدل از افراد و گروه‌های صاحب قدرت است و با به چالش کشیدن قدرت در جهت تقویت نهادهای دموکراتیک گام برمی‌دارد.

تفاوت‌پذیری<sup>۳</sup> به معنای داشتن درک مثبت از تنوع و تفاوت‌های رفتاری و نگرشی و تحمل افکار و عقاید و کنش‌های اجتماعی نامأنوس، ناموافق یا مخالف از دیگر ارزش‌های ضروری تقویت جامعه مدنی است. درک مناسب از تفاوت‌ها امکان همکاری متقابل، حضور در انجمن‌های مدنی، احزاب سیاسی و مشارکت اجتماعی را در جهان متکثر فراهم

1. Theoretical rationality

2. Reflexive

3. Difference

می‌سازد و بدین‌سان به تقویت جامعه مدنی یاری می‌رساند. توجه به مدارا<sup>۱</sup> از آن جهت برجسته می‌شود که تنوع اندیشه‌ها و سبک‌های زندگی در جوامع مدرن و پیچیده، ویژگی گریزناپذیر و ذاتی این جوامع و پیامد نیت‌نشده نوسازی، مهاجرت‌ها و گسترش رسانه‌ها است.

انضباط اخلاقی<sup>۲</sup> مترادف مقیدبودن به ارزش‌های اخلاقی، مثل صداقت، امانت‌داری، حریص‌نبودن، نوع‌دوستی، حُسن‌نیت، شفاف‌بودن، متعهدبودن و درنظرگرفتن خودبستگی و عاملیت افراد دیگر و احترام به آمال و آرزوهای آنان است. انضباط اخلاقی مبتنی بر سنت، دین و خرد شکل می‌گیرد؛ اما به میزانی که کردارهای اخلاقی، متکی به رشد خردگرایی باشند پایداری و استمرار بیشتری خواهند داشت. انضباط اخلاقی پایه و مبنای اعتماد عمومی و لازمه جمع‌گرایی و تشکیل نظام اشتراکی است.

اعتماد اجتماعی<sup>۳</sup> به قابل‌انکا دانستن افراد (آشنایان و غریبه‌ها)، گروه‌ها، سازمان‌ها و دولت‌ها در برقراری کنش متقابل و انتظار عمل از آن‌ها بر مبنای نقش‌های محول و در چارچوب انضباط اخلاقی است. اعتماد تعمیم‌یافته<sup>۴</sup> و اعتماد نهادی<sup>۵</sup>، شرط اساسی برای تقویت جامعه مدنی محسوب می‌شوند.

تعلق اجتماعی<sup>۶</sup> در این پژوهش عبارت است از: گرایش‌های مبتنی بر احساسات، عواطف و خرد به مجموعه‌های بزرگ‌تر اجتماعی که فرد در آن عضویت دارد؛ اعم از گروه‌های اولیه، گروه‌های ثانویه (صنوف و انجمن‌ها) یا جامعه‌ای که در آن زیست می‌کند؛ به میزانی که فرد خود را بخشی از یک کل تلقی کند و علاقه‌مند باشد تا از

---

1. Tolerance  
2. Moral discipline  
3. Social trust  
4. Generalized Trust  
5. Institutional trust  
6. Sence of social belonging

بخشی از منافع خود برای حفظ حیات و نظم جامعه چشم‌پوشی کرده و در مواقع خطر از تمامیت آن دفاع کند.

مشارکت اجتماعی<sup>۱</sup>، دیگر جزء فرهنگی این مفهوم، وضعیت و حالتی است که طی آن کنشگران اجتماعی، اتصال عاطفی، ذهنی (شناختی) و عینی با اجزای جامعه برقرار می‌کنند و به پدیده‌ها و واقعیت‌های سطح خرد و کلان جامعه حساس هستند و در فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی و سیاسی مشارکت می‌کنند و فعال‌بودن خود را در حل مسائل اجتماعی مؤثر می‌پندارند. گرایش به مشارکت برای تقویت جامعه مدنی، امری پیش‌فرض و ضروری به حساب می‌آید.

**تعلق مذهبی:** تعلق مذهبی، میزان علاقه، دل‌بستگی و وفاداری به یک دین (مذهب) و میزان باور به کارآمدی و مفیدبودن آموزه‌ها، ارزش‌ها و باورهای آن دین در حل مسائل مادی یا فرامادی زندگی روزمره است. تعلق دینی الزاماً با التزام به اجرای مناسک دینی یا داشتن تجربه‌های دینی و به سخن کوتاه دین‌داری مترادف نیست؛ هرچند تعلق دینی ممکن است با ابعاد دین‌داری همبستگی قوی داشته باشد.

**پایگاه اقتصادی اجتماعی:** این پژوهش با الهام از تعریف رایت<sup>۲</sup> (۲۰۰۵)، از تعریف ذهنی پایگاه اقتصادی- اجتماعی و مقیاس نبوی و دیگران (۱۳۸۷) و اضافه کردن دو گویه جدید و حذف دو گویه از مقیاس یادشده، با سازه‌ای دارای ۶ گویه در طیف لیکرت عملیاتی شده است. مؤلفه‌های تعیین پایگاه اقتصادی- اجتماعی شامل ذهنیت پاسخگو در خصوص درآمد، تحصیلات، محل سکونت، سبک زندگی، شغل و طبقه اقتصادی خود یا سرپرست خانوار است.

**استقلال گرایی:** استقلال‌گرایی از میانگین نمرات به دست آمده از چهار متغیر برابری طلبی فردگرایی، عقلانیت نظری و تفاوت‌پذیری ساخته شده است؛ بدین گونه که نمرات این

1. Social participation  
2. Erik Olin Wright

متغیرها جمع و بر عدد چهار تقسیم شد و نمره هر فرد به دست آمد. در واقع این متغیر از ۲۳ گویه تشکیل شده است.

**همگرایی:** همگرایی از میانگین نمرات پاسخگویان در سه متغیر تعلق جمعی، انضباط اخلاقی، مشارکت و اعتماد نهادی به طریقه پیش گفته ساخته شده است. این متغیر از ۲۴ گویه تشکیل شده است.

### یافته‌ها

از نظر ویژگی‌های جمعیتی ۴۸/۹ درصد پاسخگویان مرد و ۵۱/۱ درصد زن هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۹ سال، کمترین سن ۱۸ و بیشترین سن ۶۵ سال است. از نظر سنی، ۹/۴ درصد پاسخگویان بین ۱۸ تا ۲۴ سال، ۴۴/۵ درصد بین ۲۵ تا ۴۰ سال، ۴۳ درصد بین ۴۱ تا ۵۶ سال و ۳/۱ درصد ۵۷ سال و بیشتر سن دارند. از نظر تحصیلی بیشترین فراوانی مربوط به مدرک فوق‌دیپلم و لیسانس به میزان ۵۳/۵ درصد است. ۳۴/۷ درصد دیپلم (پیش‌دانشگاهی) و پایین‌تر و ۱۱/۸ درصد تحصیلات بالاتر از لیسانس دارند. از نظر وضعیت تأهل ۲۲/۹ درصد مجرد و ۷۷/۱ درصد متأهل هستند. از نظر پایگاه اقتصادی و اجتماعی، با توجه به اینکه این پایگاه به‌طور ذهنی ارزیابی شده است. ۵۴/۵ درصد پاسخگویان (بیشترین فراوانی) خود را در سطح پایگاه اقتصادی-اجتماعی، متوسط ارزیابی کرده‌اند و پس از آن رتبه پایین با ۳۸/۵ درصد قرار دارد. بیشترین فراوانی درصدی پاسخگویان از نظر سطح تعلق مذهبی مربوط به سطح متوسط (۴۲ درصد) است، پس از آن ۳۴/۵ درصد گرایش مذهبی بالا و خیلی بالا داشته‌اند.

در خصوص متغیرهای وابسته، در بُعد جمع‌گرایی یا همگرایی ۵۵/۹ درصد پاسخگویان در مقوله پایین، ۴۱/۸ درصد در سطح متوسط و تنها ۲/۳ درصد در مقوله بالا قرار دارند. در بُعد استقلال‌گرایی، ۴۴/۴ درصد در سطح پایین، ۵۰/۶ درصد در سطح متوسط و ۵ درصد در سطح بالا قرار دارند.

جدول ۱: شاخص‌های آماری متغیرهای الزامات فرهنگی تقویت جامعه مدنی

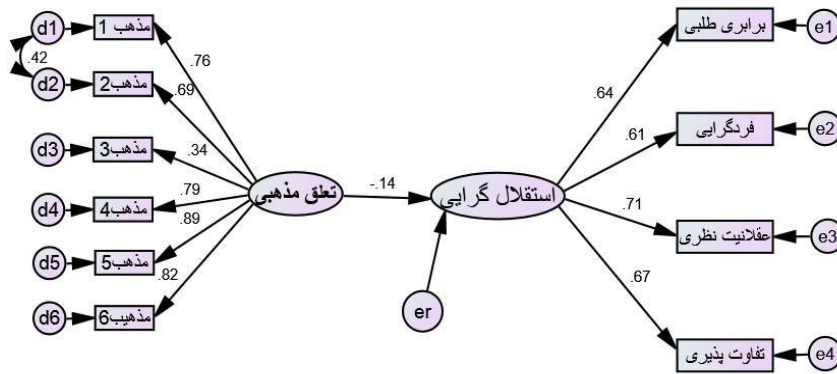
متغیر	دامنه تغییرات	کمینه	پیشینه	میانگین	خطای معیار	استاندارد انحراف	واریانس	چولگی	کشیدگی
برابری- طلبی	۴/۰۰	۱/۰۰	۵/۰۰	۳/۰۷۷	۰/۰۲۵	۰/۷۹۹	۰/۶۳۹	۰/۰۴۳	۰/۲۷۶
فردگرایی	۴/۰۰	۱/۰۰	۵/۰۰	۳/۲۳۳	۰/۰۲۴	۰/۷۸۲	۰/۶۱۲	۰/۳۰۸	۰/۲۲۰
عقلانیت نظری	۳/۸۶	۱/۰۰	۴/۸۶	۲/۹۴۱	۰/۰۲۱	۰/۶۶۹	۰/۴۴۸	۰/۱۱۸	۰/۰۳۶
تفاوت پذیری	۴/۰۰	۱/۰۰	۵/۰۰	۳/۰۲۶	۰/۰۲۵	۰/۸۲۲	۰/۶۷۶	۰/۰۳۰	۰/۳۳۷
انضباط اخلاقی	۴/۰۰	۱/۰۰	۵/۰۰	۳/۰۶۵	۰/۰۲۴	۰/۷۷۳	۰/۵۹۹	۰/۴۸۸	۰/۱۹۰
اعتماد نهادی	۴/۰۰	۱/۰۰	۵/۰۰	۲/۵۵۶	۰/۰۲۶	۰/۸۵۵	۰/۷۳۲	۰/۰۵۸	۰/۲۷۹
تعلق اجتماعی	۴/۰۰	۱/۰۰	۵/۰۰	۳/۱۵۵	۰/۰۲۴	۰/۷۶۶	۰/۵۸۸	۰/۱۶۱	۰/۲۴۸
فعال-گرایی	۴/۰۰	۱/۰۰	۵/۰۰	۲/۹۸۲	۰/۰۲۳	۰/۷۵۶	۰/۵۷۲	۰/۱۸۱	۰/۲۰۶
استقلال	۳/۶۰	۱/۱۶۹	۴/۷۷	۳/۰۶۹	۰/۰۱۸	۰/۵۸۰	۰/۳۳۷	۰/۰۷۴	۰/۱۶۳
همگرایی	۳/۴۴	۱/۲۰۰	۴/۶۳	۲/۹۴	۰/۰۱۶۴	۰/۵۲۲	۰/۲۷۳	۰/۰۲۲	۰/۱۶۳

N=1060

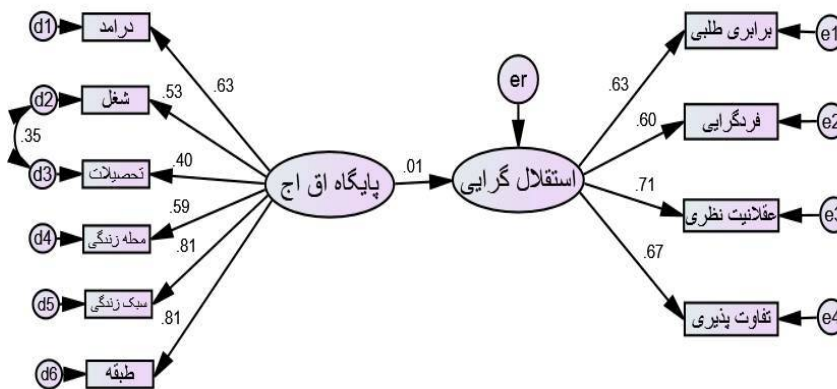
با توجه به جدول ۱، توزیع آماری در تمامی متغیرهای پژوهش نرمال است و اندازه ضرایب چولگی و کشیدگی در همه متغیرها در اندازه قابل قبول و در محدوده  $+2$  تا  $-2$  قرار دارد. پایین‌ترین نمره به دست آمده مربوط به اعتماد نهادی است و به تبع آن فعال‌گرایی و میل به مشارکت نیز نمره بالایی در بُعد همگرایی ندارد. در میان مؤلفه‌های استقلال‌گرایی

نیز عقلانیت نظری در مقایسه با سایر مولفه‌ها نمره کمتری دارد. بالاترین نمره نیز به فردگرایی و سپس تعلق اجتماعی اختصاص دارد.

**فرضیه ۱:** میان متغیرهای مستقل پژوهش و بُعد استقلال‌گرایی رابطه معنادار وجود دارد.



نمودار ۲: مدل رابطه بین همگرایی و تعلق مذهبی



نمودار ۳: مدل رابطه بین همگرایی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی

جدول ۲: آزمون کلیت مدل مربوط به رابطه استقلال‌گرایی و متغیرهای تعلق مذهبی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی

شاخص‌های برازش مطلق	شاخص‌های برازش تطبیقی				شاخص‌های برازش مقتصد				مدل
	GFI	AGFI	CFI	NFI	TLI	PCFI	PNFI	RMSEA	
۰/۹۷۲	۰/۹۵۲	۰/۹۷۱	۰/۹۶۴	۰/۹۵۹	۰/۶۹۱	۰/۶۸۶	۰/۰۶۱	۵/۱	استقلال‌گرایی و تعلق مذهبی
۰/۹۸۶	۰/۹۷۵	۰/۹۸۴	۰/۹۷۳	۰/۹۷۸	۰/۷۰۰	۰/۶۹۲	۰/۰۳۷	۲/۳۹۲	استقلال‌گرایی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی

جدول ۳: آزمون جزئیات مدل مربوط به رابطه استقلال‌گرایی، تعلق مذهبی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	Estimate	S.E.	C.R.	P	Label
استقلال‌گرایی	تعلق مذهبی	-۰/۰۹۱	۰/۰۲۶	-۳/۵۳۹	***	par_11
استقلال‌گرایی	متغیر مستقل	۰/۰۰۶	۰/۰۳۷	۰/۱۷۵	۰/۸۶۱	par_8

جدول ۴: ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای جنس، سن، تحصیلات و تأهل با استقلال‌گرایی

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	شرح
تحصیلات	۱۰۰۷	۰/۳۰۵	۰/۰۰۰	رابطه مستقیم معنادار در سطح ۹۹ درصد
جنس	۱۰۱۱	۰/۰۹۷	۰/۰۰۳	رابطه مستقیم معنادار در سطح ۹۹ درصد
سن	۱۰۰۵	-۰/۰۳۷	۰/۲۴۳	رابطه معنادار تأیید نمی‌شود
وضعیت تأهل	۱۰۱۲	-۰/۰۷۰	۰/۰۲۰	رابطه منفی معنادار در سطح ۹۵ درصد

کد صفر برای مرد و کد ۱ برای زن تعریف شده است.

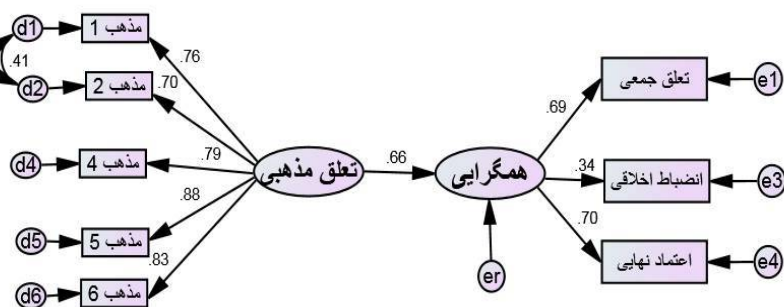
کد صفر برای مجرد و کد ۱ برای متأهل تعریف شده است.



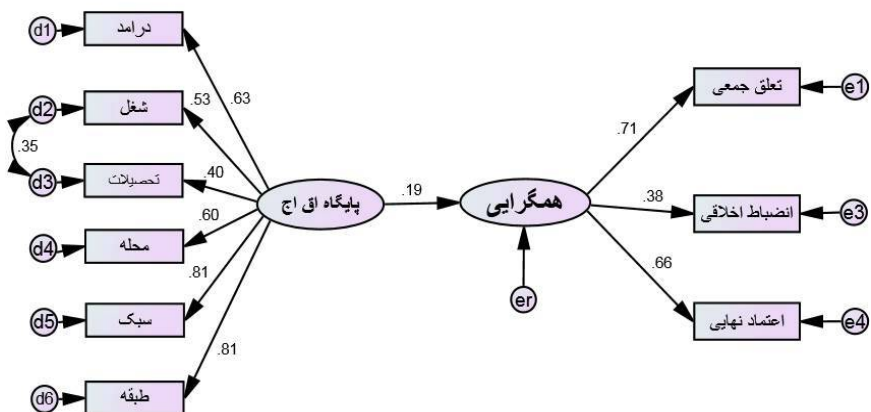
بعد استقلال‌گرایی، از چهار متغیر اصلی برابری‌طلبی، فردگرایی، تفاوت‌پذیری و عقلانیت نظری (قوة نقد و بازاندیشی) ساخته شده است. این بُعد از مفهوم اصلی بیانگر گرایش کنشگران اجتماعی به استقلال فردی در جامعه مدرن است. بررسی رابطه میان متغیر بالا به‌عنوان متغیر وابسته (متغیر پنهان درونی) با متغیرهای مستقل پژوهش نشان می‌دهد که سطح تحصیلی، جنس و نمره تعلق مذهبی با این بُعد در سطح اطمینان ۹۹ درصد، رابطه معنادار دارد. رابطه متغیرهای سطح تحصیلی و جنس از نوع مثبت است و سطح مذهبی بودن از نوع رابطه منفی است. به میزانی که گرایش به دین افزایش می‌یابد، گرایش به استقلال‌گرایی کاهش می‌یابد؛ اما در مورد تحصیلات که شدیدترین میزان رابطه را با مقدار ۰/۳۰۵ نشان داده است، رابطه مثبت برقرار است و هر چه میزان تحصیلات افزایش می‌یابد، گرایش به استقلال‌گرایی افزوده می‌شود. این متغیر با وضعیت تأهل در سطح معناداری ۰/۹۵، رابطه منفی دارد؛ به عبارت دیگر، شهروندان مجرد تهرانی گرایش بیشتری به استقلال‌گرایی دارند.

برای آزمون رابطه بین استقلال‌گرایی و سطح تعلق مذهبی از روش مدل‌سازی در نرم‌افزار AMOS استفاده شد. در این مدل اصلاح‌شده گویه هفتم (مذهب ۷) به‌منظور بهبود شاخص‌های برازش حذف شد. در متغیر پنهان درونی (استقلال‌گرایی) شاخص‌های برازش مدل (جدول ۱) آزمون کلیات مدل در حد مطلوب است و مدل را تأیید می‌کند. شاخص‌های آزمون جزئیات در جدول ۲ نیز حاکی از تأیید روابط میان متغیرهای وابسته و مستقل است. شاخص هالتر در این مدل ۳۰۴ و درجه آزادی برابر با ۳۲ است. در بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و استقلال‌گرایی هرچند شاخص‌های برازش مدل (جدول ۱) مورد قبول است، جدول آزمون جزئیات (جدول ۲) و اندازه  $p=0/861$  حاکی از آن است که رابطه معنادار بین دو متغیر وجود ندارد.

**فرضیه ۲:** میان متغیر همگرایی و متغیرهای مستقل تحصیلات، جنس، سن، وضعیت تأهل، سطح تعلق مذهبی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.



نمودار ۵: مدل رابطه بین همگرایی و تعلق مذهبی



نمودار ۶: مدل رابطه بین همگرایی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی

جدول ۵: آزمون کلیت مدل مربوط به رابطه همگرایی و متغیرهای مستقل

شاخص‌های برازش مطلق		شاخص‌های برازش تطبیقی			شاخص‌های برازش مقتصد				مدل
GFI	AGFI	CFI	NFI	TLI	PCFI	PNFI	RMSEA	CMIN/DF	
۰/۹۷۲	۰/۹۴۹	۰/۹۴۷	۰/۹۶۸	۰/۹۶۳	۰/۶۷۷	۰/۶۷۲	۰/۰۵۷	۴/۳	همگرایی و تعلق مذهبی
۰/۹۸۳	۰/۹۷۲	۰/۹۷۶	۰/۹۶۳	۰/۹۶۷	۰/۷۱۶	۰/۷۰۶	۰/۰۴۱	۲/۷۰۹	همگرایی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی

جدول ۶: آزمون جزئیات مدل رابطه همگرایی، تعلق مذهبی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	Estimate	S.E.	C.R.	P	Label
همگرایی	تعلق مذهبی	۰/۴۲۷	۰/۰۲۹	۱۴/۵۸۶	***	par_7
همگرایی	پایگاه اق اج	۰/۲۰۲	۰/۰۴۴	۴/۵۶۰	***	par_10

جدول ۷: ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و همگرایی

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	شرح
تحصیلات	۱۰۰۷	-۰/۲۶۲	۰/۰۰۰	رابطه معنادار منفی در سطح اطمینان ۹۹ درصد
جنس	۱۰۱۱	-۰/۰۲۴	۰/۳۴۱	فاقد رابطه
سن	۱۰۰۵	۰/۱۴۲	۰/۰۰۰	رابطه معنادار مثبت در سطح اطمینان ۹۹ درصد
وضعیت تأهل	۱۰۱۲	۰/۱۸۶	۰/۰۰۰	رابطه معنادار مثبت در سطح اطمینان ۹۹ درصد

کد صفر برای مرد و کد ۱ برای زن تعریف شده است.

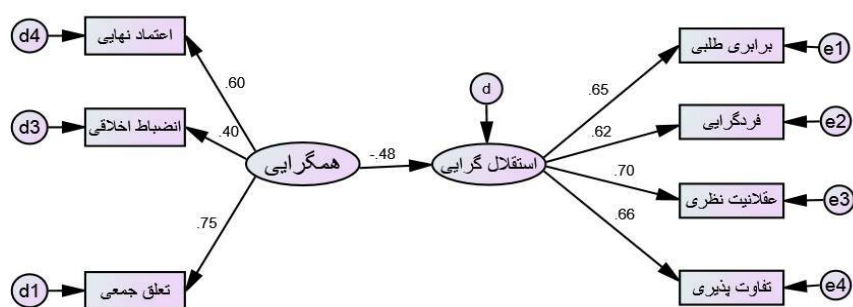
کد صفر برای مجرد و کد ۱ برای متأهل تعریف شده است.

بُعد همگرایی، بُعد دَم مفهوم «پیش‌نیازهای فرهنگی» است که از سه متغیر تعلق جمعی، انضباط اخلاقی و اعتماد نهادی ساخته شده است. متغیرهایی که گرایش کنشگران را به دیگر افراد جامعه و به کلیت (جامعه) نشان می‌دهند. جدول ۷، رابطه این متغیر را با

متغیرهای مستقل پژوهش نمایش می‌دهد. با توجه به این جدول به جز متغیر جنس، متغیرهای دیگر در سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد با این متغیر رابطه معنادار دارند. قوی‌ترین رابطه بین سطح مذهبی بودن و همگرایی گزارش شده است (۰/۶۶۰) که از نظر جهت نیز رابطه مثبت است. پس از آن به ترتیب وضعیت تأهل، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سن با همگرایی رابطه مثبت دارند. هر چه سن و سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی افزایش می‌یابد گرایش به همگرایی نیز بیشتر می‌شود؛ اما رابطه سطح تحصیلی با همگرایی منفی است و با افزایش تحصیلات نمره همگرایی کاسته می‌شود.

برای آزمون رابطه بین دو متغیر سطح تعلق مذهبی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و متغیر همگرایی (متغیر وابسته) دو مدل به دست آمد. جدول مربوطه شاخص‌های برازش مدل‌های یادشده را از حیث هر سه دسته شاخص‌های مقتصد، تطبیقی و مطلق در سطح مطلوب نشان می‌دهد؛ همچنین شاخص‌های آزمون جزئیات دو مدل در جدول ۵، نشان داده شده است که رابطه معنادار در سطح ۹۹ درصد بین همگرایی و تعلق مذهبی و بین همگرایی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی تأیید می‌شود.

**فرضیه ۳:** بین بُعد همگرایی و استقلال‌گرایی رابطه معنادار وجود دارد.



نمودار ۷: مدل رابطه بین بُعد همگرایی و استقلال‌گرایی

جدول ۸: آزمون کلیات مدل رابطه همگرایی و استقلال گرایی

شاخص‌های برازش مطلق		شاخص‌های برازش تطبیقی			شاخص‌های برازش مقتصد				مدل
GFI	AGFI	CFI	NFI	TLI	PCFI	PNFI	RMSEA	CMIN/DF	
۰/۹۷۵	۰/۹۸۹	۰/۹۸۰	۰/۹۷۱	۰/۹۶۵	۰/۵۶۰	۰/۵۵۵	۰/۰۵۱	۲/۷	همگرایی و استقلال گرایی

جدول ۹: آزمون جزئیات مدل رابطه همگرایی و استقلال گرایی

متغیر وابسته		متغیر مستقل	Estimate	S.E.	C.R.	P	Label
استقلال گرایی	<---	همگرایی	-۰/۰۴۵۹	۰/۰۵۳	-۸/۶۷۶	***	par_7

نمودار ۶، رابطه بین دو بُعد استقلال گرایی و همگرایی را نشان می‌دهد. این مدل اصلاح شده مدل اصلی است که در آن متغیر مشارکت به دلیل رابطه ضعیف با متغیر همگرایی حذف شده است. در این مدل تمامی شاخص‌های برازش در سطح مطلوب قرار دارد. در مدل حاضر اندازه ضریب گاما همبستگی منفی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. این ضریب در سطح اطمینان ۹۹ درصد برابر مندرجات جدول آزمون جزئیات ( $P=0/000$ ) تأیید می‌شود. ر ضرایب لاندای وای (بارهای عاملی مربوط به متغیرهای پنهان درونی) نیز با اندازه قوی معنادار هستند و ضرایب لاندای ایکس (بارهای عاملی مربوط به متغیر پنهان بیرونی) با صفر رابطه معنادار دارند. شاخص هالتر در این مدل برابر با ۵۳۹ است.

### بحث و نتیجه‌گیری

انباشت و تراکم مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در ایران حال حاضر و اضطراب تلاش جدی، مستمر و خردمندانه برای کاهش مسائل و برون‌رفت از بن‌بست‌ها، ضرورت تجدیدنظر و اصلاح در نگرش‌های کلان و شیوه‌های تعاملی خرد را نمایان می‌سازد. یکی از مسیرهای پیش رو در این زمینه توجه به تقویت جامعه مدنی است. رشد جامعه مدنی با

ایجاد هم‌افزایی و بسیج امکانات از طریق تقویت همبستگی همه گروه‌های اجتماعی، ظرفیت‌های قابل توجهی را در کاهش مسائل در اختیار جامعه قرار می‌دهد.

رشد جامعه مدنی نیازمند دو گروه از عناصر یا شاخصه‌های فرهنگی است. گروه نخست آن دسته از باورها و ارزش‌ها و رفتارهایی است که استقلال‌گرایی فردی و احترام به تفاوت‌ها را تقویت می‌کند. دسته دوم، باورها و ارزش‌های مرتبط با همگرایی اجتماعی است. این شاخصه‌های فرهنگی از این نظر حائز اهمیت است که بنیان و تقویت جامعه مدنی همان قدر که نیازمند استقلال‌گرایی است، نیازمند همگرایی نیز هست. نکته مهم در اینجا رابطه بین دو بُعد فرهنگی است. متغیرهایی که «پیش‌نیازهای فرهنگی تقویت جامعه مدنی» را می‌سازند باید حرکت هم‌جهت داشته باشند و در جهت نفی هم عمل نکنند.

یافته‌های تجربی نشان داد وضعیت پیش‌نیازهای فرهنگی تقویت جامعه مدنی، به‌مثابه یکی از مهم‌ترین متغیرهای مرتبط با این امر در شهر تهران چندان رضایت‌بخش نیست؛ هرچند ملاکی معین و دقیق برای تنظیم و برآورد نمره مطلوب در دست نیست. نسبت پاسخگویانی که همگرایی بالا داشته‌اند تنها ۲/۳ درصد از کل پاسخگویان است. این وضعیت به دلیل اعتماد نهادی پایین و بحث‌برانگیز در جامعه نمونه و برداشت ذهنی منفی پاسخگویان از وضعیت اخلاق در شهر تهران است که خود نشانه سطح پایین اعتماد تعمیم یافته است. مقایسه یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش علی‌پور و دیگران (۱۳۸۸) که در جامعه آماری تهران اجرا شده است، حکایت از آن دارد که اعتماد نهادی در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۸۸ کاهش یافته است. در پژوهش یادشده ۳۸/۴ درصد پاسخگویان در مرتبه اعتماد بالا طبقه‌بندی شده‌اند و ۱۲/۱ درصد در سطح پایین (علی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۴)؛ در حالی که یافته‌های این پژوهش در سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که تنها ۵/۸ درصد پاسخگویان اعتماد نهادی بالا داشته‌اند و ۶۴/۲ درصد در مقوله اعتماد نهادی پایین قرار دارند.

کاهش اعتماد به نهادهای حکومتی، احتمالاً در اثر اختلافات سیاسی گروه‌های حاکم، افشاسازی‌های ساختگی یا واقعی مؤثر بر افکار عمومی از برخی سوءاستفاده‌های گروه‌های سیاسی و مدیران، کاستی‌ها در عملکردها و انباشت، ناکارآمدی برای کاهش مسائل اقتصادی و اجتماعی (آب، محیط‌زیست، نظم اقتصادی، کارکرد بروکراسی، حل تعارض‌های خارجی، آسیب‌های اجتماعی و غیره) و افزایش انتظارات عمومی از ارکان دولتی و حکومتی به دلیل سیطره دولت بر تمامی ابعاد زندگی، پدید آمده است.

این واقعیت (پایین بودن سطح همگرایی) می‌تواند به‌عنوان یک مسئله اجتماعی، موجب مسائل اجتماعی دیگر شود. میل به مشارکت مستمر اجتماعی، حمایت از برنامه‌ها و درخواست‌های دولت برای پیشبرد منافع ملی، کاهش میل به حضور در انجمن‌های غیردولتی برای کاهش مسائل اجتماعی از این دست است. کاهش اعتماد به نهادهای حکومتی از سوی دیگر ممکن است گسست طرفداران-مخالفان این نهادها را به وجود آورد و رسیدن به توافق عمومی را مشکل سازد. این مسئله می‌تواند خودمحوری و نفع‌پرستی و فرصت‌طلبی را در جامعه گسترش دهد. پایین بودن سطح میل به همگرایی و تشدید مسئله به واسطه این است که اعتماد به دیگران نیز طبق نتایج پژوهش پایین است.

سطح همگرایی در گروه‌های مختلف اجتماعی متفاوت است. افزایش سطح تحصیلی، استقلال فکری و نگاه انتقادی بیشتری را به همراه دارد؛ از این رو افزایش سطح تحصیلی، نقش منفی در تمایل به اعتماددورزی (نهادی) و همگرایی داشته است.

عواملی که فرد را به جامعه پایبندتر می‌کند در این زمینه نقش مؤثر دارد. افراد متأهل به دلیل گسترش وابستگی به دیگران و نهادهای اجتماعی و ضرورت‌های پیوند به نهادهای اجتماعی وابستگی بیشتری را به اجتماع نشان داده‌اند. همین‌طور افرادی که خود را در پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری حس می‌کنند، تمایل بیشتری به اجتماع نشان می‌دهند. این مسئله به دلیل احساس رضایتمندی بالاتری است که این افراد دارند. در واقع ستانده‌های این گروه‌های اجتماعی بالاتر بوده و احساس محرومیت در آنها کمتر است. با افزایش سن

نیز آرزوها و خلقیات افراد تعدیل و انتظارات آن‌ها کاهش یافته و رضایتمندی نیز افزایش می‌یابد؛ به همین دلیل این گروه نیز گرایش‌های اجتماعی بیشتری از خود نشان داده‌اند.

مهم‌ترین عامل مؤثر بر همگرایی در داده‌های تجربی این پژوهش مربوط به احساس تعلق مذهبی است. احساس تعلق مذهبی از طرفی انتظارات فرد را از مطالبات زندگی به واسطه دریافت ارزش‌های معنوی تعدیل و تسلیم‌شدن به مقدرات را تشویق می‌کند؛ بدین ترتیب افراد با علقه‌های مذهبی بالاتر، رضایت خاطر بیشتری از زندگی جاری به دست می‌آورند و نارضایتی آن‌ها از نهادهای اجتماعی به‌عنوان تأمین‌کننده صرف منافع فردی کاهش می‌یابد و بدین ترتیب تعلق اجتماعی آن‌ها افزایش می‌یابد. عقاید مذهبی ضمن آنکه تعدیل‌کننده منویات و آمال و آرزوهای فردی است، خود عامل همبستگی اجتماعی پیروان یک مذهب است و از طریق تولید ارزش‌های جمعی و اجرای مناسک گروهی، تن‌ها و جان‌ها را به هم نزدیک می‌کند. ارزش‌ها و آرمان‌های مذهبی جمع‌گرا است و نسبت به ارزش‌های فردی بر جامعه تأکید بیشتری دارد.

با افزایش تعلق مذهبی، ارزش‌های قناعت، رضایت از سرنوشت و وضع جاری و تقدیرگرایی در فرد رشد می‌کند که در مجموع توقعات و انتظارات فردی را کاهش می‌دهد. در این شرایط نرسیدن به آمال فردی با ارزش‌های معنوی تعدیل می‌شود؛ بنابراین ارزش‌های مذهبی هم از طریق تأکید بر جمع‌گرایی و همگرایی و هم به واسطه تعدیل و نهی خودخواهی و خودمحوری موجب افزایش خوش‌بینی و رضایت خاطر معتقدین می‌شود و سطح همگرایی را افزایش می‌دهد. مهم‌ترین علتی که در جامعه امروز ایران توضیح‌دهنده رابطه سطح تعلق مذهبی و همگرایی است، برهم‌افتادگی ساختارهای سیاسی و فرهنگی (مذهبی) است. در حال حاضر نظام سیاسی منبعث از اندیشه‌های دینی است و مراجع و نهادهای حکومتی نیز مدیرانی از پایگاه‌ها و نهادهای دینی را در رأس خود دارد. همین‌طور ایدئولوژی حاکم بر اندیشه‌های سیاسی و راه‌برنده ساختارهای سیاسی سرچشمه مذهبی دارد؛ بنابراین تا حدود زیادی پذیرفتنی است که کنشگران با سطح علاقه مذهبی



بالا تر همسوتر با نهادهای حکومتی با جلوه‌های مذهبی خواهند بود و در خصوص این نهادها نگاه انتقادی کمتر و اعتماد بالاتری خواهند داشت. بدین ترتیب مشخص می‌شود همگرایی در جامعه امروز ایران از دو طریق سطح تعلق دینی به‌عنوان مهم‌ترین متغیر و سایر متغیرهای پیونددهنده، همچون تأهل فرد یا کسب پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی، بالاتر است.

میانگین نمره استقلال‌گرایی اندکی بیشتر از میانگین نمره همگرایی است. این واقعیت به این معنا است که افراد در حال حاضر گرایش بیشتری به استقلال فردی دارند. مطابق با نظریه اینگلههارت و ولزل (۱۳۸۹)، با نوسازی جوامع ارزش‌های توده‌ها از سطح ارزش‌های بقا به سمت ارزش‌های ابراز وجود (به مفهوم استقلال‌گرایی ما نزدیک است) گرایش پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه گروه‌های زیادی از پاسخگویان خود را در سطح پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسط ارزیابی کرده‌اند، ارزش‌های مربوط به استقلال‌گرایی در جامعه آماری تهران و کلان‌شهرهای ایران رو به رشد است. مسئله اینجاست که تا چه حد رشد استقلال‌گرایی توأم با دریافت‌های نوع‌دوستانه و انسان‌گرایانه است.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای مؤثر در افزایش یا کاهش همگرایی در خصوص استقلال‌گرایی، تأثیر معکوس دارند. ارزش استقلال‌گرایی بیشتر متأثر از وضعیت تحصیلات افراد است. مطابق آنچه به نقل از اینگلههارت در مبانی نظری پژوهش ذکر شد در پی افزایش سطح تحصیلی، رشد عقلانیت نظری و تفکر مستقلانه و نگاه انتقادی در افراد به‌وجود می‌آید و احساسات، عقاید و رفتارهای تقلیدگرایانه کاهش می‌یابد؛ بنابراین افراد با رشد آگاهی و توسعه حدود شناختی خود، ارزش بیشتری برای برابری جنسیتی، نژادی و مذهبی قائل هستند و همین‌طور درک مثبت‌تری از تفاوت‌ها داشته و در مواجهه با تنوع دیدگاه‌ها و عقاید، رواداری بیشتری را ابراز داشته‌اند. افراد با تحصیلات بالاتر و کسب پایگاه‌های اجتماعی متنوع‌تر، تجربه‌های دست‌اولی از همکاری در محیط‌هایی با تنوع فکری بیشتر کسب می‌کنند و همدلی بیشتری با تنوع زیست

اجتماعی به دست می‌آورند؛ بنابراین رشد تحصیلات هم از طریق تأثیر بر رشد میانگین نمرهٔ عقلانیت، به‌عنوان یکی از معرف‌های بُعد استقلال‌گرایی و هم از طریق تأثیر به‌واسطه توسعه بینشی و هم تأثیر مستقیم بر نمرهٔ شاخص‌های فردگرایی، برابری‌طلبی و تفاوت‌پذیری به رشد شاخص استقلال‌گرایی منجر شده است. زنان نیز به نسبت مردان گرایش بیشتری به استقلال‌گرایی دارند. این واقعیت به دلیل وجود فرهنگ مردسالاری در جامعه و نشان‌دهنده مطالبات زنان است.

از سوی دیگر، احساس تعلق دینی با ارزش استقلال‌گرایی رابطه منفی دارد. ارزش‌های مذهبی کنشگران با اعتقادات قوی‌تر مذهبی را به سمت یک‌نواختی در کسب بینش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها سوق می‌دهد؛ بنابراین درک تفاوت‌ها، نگرش‌ها و سبک‌های زندگی نامتجانس با ارزش‌های اکثریت را سخت می‌کند و تحمل‌پذیری را کاهش می‌دهد. جهان‌بینی دینی به ارزش‌های مطلق تمایل دارد که معیار و ملاک داوری در باب سبک اندیشه و زندگی سعادت‌مندان است و تفاوت‌ها را کمتر می‌پذیرد؛ همچنین به نظر می‌رسد اندیشه‌های دینی، ارزش‌های سنتی مربوط به نقش‌های جنسی را تقویت می‌کند و از این طریق نیز برابری جنسیتی به شیوه‌ای که امروزه در جوامع مدنی موردنظر است را با قوت تأیید نمی‌کند و همین موضوع میانگین نمره شاخص برابری‌طلبی را در گروه با تعلقات مذهبی بالاتر، کاهش می‌دهد. با استدلال بالا هنجارهای مذهبی با نگاه سنتی به مقوله هم‌رنگی گروه‌های سنی هماهنگی بیشتری دارد. گویه‌های مربوط به معرف فردگرایی دیدگاه شهروندان را نسبت به آزادی عمل فرزندان در خانواده‌ها سنجیده است که نتایج نشان می‌دهد در حالی که افراد با تحصیلات بالاتر گرایش مثبت به این مقوله داشته‌اند در عوض افراد با تعلق مذهبی بالاتر متأثر از دیدگاه‌های سنتی‌تر، نگاه‌های محتاطانه‌تری به این مقوله نشان داده‌اند.

موضوع بحث‌برانگیز در یافته‌های پژوهش، ضریب همبستگی منفی بین اندازه‌های آماری دو بُعد پیش‌نیازهای فرهنگی تقویت جامعه مدنی است. تقویت جامعه مدنی و

دموکراسی در شرایطی ممکن است که داده‌های این دو بُعد در جهت مثبت هم حرکت کنند؛ در صورتی که یافته‌ها خلاف آن را نشان می‌دهد. به سخن دقیق‌تر هر چه همگرایی شدت می‌گیرد، بُعد استقلال‌گرایی نحیف‌تر می‌شود و برعکس. این واقعیت برابر چارچوب نظری پژوهش در جهت تضعیف جامعه مدنی قرار دارد و حاکی از نوعی گسست و شکاف اجتماعی در جمعیت آماری پژوهش است. گروه‌های اجتماعی متمایل به همگرایی اجتماعی که از علقه جمعی و میهنی بالاتری برخوردارند و به نهادها اعتماد بیشتری دارند، متفاوت از گروه‌های اجتماعی متمایل به استقلال‌گرایی هستند؛ در حالی که جامعه مدنی نیازمند کنشگرانی است که در عین اعتقاد به استقلال و آزادی عملی فردی، مدارای اجتماعی و برابری حقوق و شرایط انسان‌ها، در عین حال گرایش عمیقی به اجتماع بزرگ‌تر و آرمان‌های اجتماعی کلان داشته باشند و با اعتماد به دیگران و اعتماد به نهادهای اجتماعی و امیدواری و خوش‌بینی، اهداف کلان را با اهداف فردی خود همسو فرض کنند تا به این ترتیب از سویی اهداف فردی دست‌یافتنی و از سوی دیگر نامتناقض با اهداف جمعی تصور نشود. تنها در این صورت است که جامعه اخلاقی و عادلانه امکان پیشرفت پیدا می‌کند.

رفتار دوگانه و متضاد متغیرهای سطح تحصیلی و سطح تعلق مذهبی در رابطه با متغیرهای دو بُعد پیش‌نیازهای فرهنگی خود نشان‌دهنده وجود شکاف‌های منزلتی و ایدئولوژیک در جامعه ایران است. این واقعیت (انشقاق تحصیلات - تعلق مذهبی) طبیعتاً به ضرر تقویت جامعه مدنی در ایران عمل می‌کند.

از آنجا که تقویت جامعه مدنی در ایران حال حاضر یک ضرورت محسوب می‌شود و جامعه مدنی به‌مثابه امری هنجاری و نهادی در این پژوهش در نظر گرفته شد و فرض آن است که این دو بخش برهم اثرگذارند؛ بنابراین ضروری است که این دو بخش به‌موازات هم به‌واسطه هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی سیاسی و اقتصادی تقویت شود. تقویت بخش هنجاری جامعه مدنی و آنچه «پیش‌نیازهای فرهنگی تقویت جامعه مدنی»

نامیده شد با نگاه از هر زاویه‌ای قابل توجیه و الزامی است. تقویت جامعه مدنی به‌طور اساسی به برنامه‌ریزی فرهنگی نیاز دارد. برنامه‌ای که لازم است توسط سه نهاد مهم خانواده، مدرسه (نهادهای آموزشی) و رسانه‌های واقعی و ساختگی و به‌پشتوانه معارف دینی به‌صورت هماهنگ (و نه در تناقض و تضاد باهم) در فرآیند جامعه‌پذیری افراد به اجرا درآید.

با توجه به یافته‌های این پژوهش افزایش همگرایی، ضرورتی انکارناپذیر است. مستند به یافته‌های آماری، افزایش رضایت از زندگی به‌واسطه ارتقای عملکرد نهادهای حکومتی ضروری است؛ بنابراین پیشنهاد پژوهش در سطح کلان جهت‌گیری منابع ملی به سمت رفاه اجتماعی بیشتر از یک‌سو و در نظر گرفتن تنوع سلاقی و هنجارهای فردی و گروهی از سوی دیگر است. در نظر گرفتن نیازهای همه طبقات اجتماعی و کاهش برخی محدودیت‌های غیرضروری و سلیقه‌ای در امور عمومی و حوزه خصوصی زندگی افراد می‌توانند تعلق جمعی و رضایت از زندگی را افزایش دهد. در سطح خرد دامن‌زدن به انتظارات، بیان شفاف واقعیت‌ها و چالش‌های فراروی جامعه و ترویج روحیه قناعت و پایداری و صبوری برای دستیابی به اهداف فردی از طریق فرآیندهای آموزشی پیشنهاد می‌شود.

از آنجا که پیشرفت جامعه مدنی، به‌جز هنجارها، به‌صورت همسو و تعاملی نیاز به پیشرفت در نهادها دارد، تقویت نهادهای ارتباطی مستقل از دولت که بازتاب‌دهنده عقاید و برنامه‌های گروه‌ها و احزاب سیاسی و انجمن‌های مدنی باشند، پیشنهاد می‌شود. همچنین کمک به شکل‌گیری و تقویت احزاب سیاسی برای رشد شعور سیاسی و فرهنگ رقابت سالم و مدنی در کسب قدرت‌های سیاسی از پیشنهادها این پژوهش است. شفافیت و گسترش نهاد قانون به‌عنوان یک نهاد نظارتی بسیار مهم برای توسعه اخلاق‌گرایی و مدارای اجتماعی و تقویت روابط برابری طلبانه و افقی، ضرورتی انکارناپذیر در بُعد نهادی است. توسعه قوانین به جزئی‌ترین تعاملات اجتماعی، کنترل مسندهای اداری را افزایش می‌دهد و

به رشد عملکرد نهادها و افزایش اعتماد نهادی کمک می‌کند؛ همچنین تضمینی برای افزایش تعاملات اجتماعی و در نتیجه افزایش اعتماد تعمیم یافته خواهد بود.

## منابع

- اسمیت، فلیپ و رایلی، الگزنדר (۱۳۹۴) «نظریه فرهنگی»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۴) «درآمدی بر جامعه مدنی در ایران»، ایران‌نامه، شماره ۵۳: ۷۹-۱۰۶.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۱) «جامعه سیاسی، جامعه مدنی و توسعه ملی»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نقش و نگار.
- انصاری، ابراهیم (۱۳۷۸) «نگرشی بر جامعه مدنی در ایران»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۱۰: ۲۹-۳۸.
- اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (۱۳۸۹) «نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی»، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷) «ایران بین دو انقلاب»، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- برگر، پیتر و زایدولد (۱۳۹۳) «اعتقاد بدون تعصب»، ترجمه محمود حبیبی، تهران: نشر گمان.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸) «جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران: گفتارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی»، تهران: علوم نوین.
- پاتنام، روبرت (۱۳۹۲) «دموکراسی و سنت‌های مدنی»، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- پیتمن، کرول (۱۳۹۱) «مسئله وظیفه سیاسی»، ترجمه محمود راسخ افشار، تهران: نشر پژوهش‌آک.
- تونکیس، فران (۱۳۸۷) «اعتماد و سرمایه اجتماعی»، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات پژوهش‌گده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۹۲) «جامعه‌شناسی ایران، جامعه کژمدرن»، تهران: نشر علم.
- خانیک، هادی، (۱۳۷۶) «جامعه مدنی در ساخت اجتماعی کهن و نو ایران»، در مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صفحه دو توکویل، الکسی (۱۳۹۱) «انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات مروارید.
- دو توکویل، الکسی (۱۳۹۳) «تحلیل دموکراسی در آمریکا»، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: علمی و فرهنگی.
- راولز، جان (۱۳۹۴) «عدالت به مثابه انصاف»، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۴) «آزادی، جامعه مدنی و بازدارنده‌ها»، مطالعات خاورمیانه، شماره ۵، ۴۹۴-۴۹۸.

- روسو، ژان ژاک (۱۳۸۸) «قرارداد اجتماعی متن و در زمینه متن، هیئت تحریریه ژرار شومین و دیگران»، ترجمه مرتضی کلانتری‌ها، تهران: نشر آگه.
- سبزه‌ای، محمدتقی (۱۳۸۹) «تحلیل جامعه‌شناختی توسعه جامعه مدنی در ایران، تحلیل مقایسه‌ای دوره مشروطه با دوره انقلاب اسلامی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱۰، ۴۹-۸۵.
- سلیگمن، آدام (۱۳۸۷) «اعتماد و جامعه مدنی، در تونکیس، فران، اعتماد و سرمایه اجتماعی»، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شارون، جوئل (۱۳۸۵) «ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- غنی نژاد اهری، موسی (۱۳۷۷) «جامعه مدنی: آزادی، اقتصاد و سیاست»، تهران: طرح نو.
- فوران، جان (۱۳۸۳) «مقاومت شکننده»، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۵) «در پیرامون خودمداری ایرانیان»، تهران: نشر اختران.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۰) «ایران، جامعه کوتاه‌مدت»، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: نشر نی.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۷) «نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران، نفت و توسعه اقتصادی»، تهران: نشر مرکز.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۹۳) «فلسفه حقوق»، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- کمالی، مسعود (۱۳۸۱) «جامعه مدنی دولت و نوسازی در ایران»، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات باز.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۸) «اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گرامشی، آنتونیو (۱۳۸۴) «دولت و جامعه مدنی»، ترجمه عباس میلانی، تهران: نشر اختران.
- لاک، جان (۱۳۸۷) «رساله‌ای در باب حکومت»، ترجمه حمید عضدانلو، تهران: نشر نی.
- لاک، جان (۱۳۷۷) «نامه‌ای در باب تساهل»، ترجمه شیرزاد گلشاهی کریم، تهران: نشر نی.
- منتسکیو، بارون دو (۱۳۴۹) «روح القوانین»، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر.
- نبوی، عبدالحسین؛ حسین زاده، علی حسین و حسینی، سیده هاجر (۱۳۸۷) «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی» فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۳۹، ۷-۳۸.
- هابز، توماس (۱۳۸۰) «لویاتان»، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- هگل، فردریش (۱۳۹۳) «اصول فلسفه حق»، ترجمه مهبد ایرانی طالب، تهران: انتشارات قطره.
- سایت مرکز آمار ایران <https://www.amar.org.ir>

- Alexander, J. C (2003) "The Meanings of Social Life: A Cultural Sociology", New York: Oxford University Press.
- Alexander, Jeffrey C (2006) "The Civil Sphere", Oxford University Press, New York.
- Almond, G. & Verba, S. (1963) "The civic culture: political Attitudes and Democracy in Five Nations", Princeton university press.
- Hegel, G., Wilhelm F. (2008) "Outlines of the philosophy of right", (T. Knox, Trans.) New York: oxford.
- Perez – diaz, v. (2014) "Civil society: A multi- layered, current sociology review", published by sage. Pages: 1-19.
- Seligman, A.B. (1992) "The idea of civil society", New York: free press
- Stroope, S. (2011) "How Culture Shapes Community: Bible Belief", Theological Unity, and a Sense of Belonging in Religious Congregations, The Sociological Quarterly, 52:4, 568-592.
- Taylor, C. (2007) "A Secular Age, Cambridge", Ma and London: Belknap Press of Harvard University Press.
- Wright, Erik Olin, (2005) "'social class' in Encyclopedia of Social Theory (Two Volume Set)": Ritzer, G. Thousand Oaks, CA: Sage Publications. Pages: 717-723.